

الله الرحمن الرحيم



دانشگاه پیام نور

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

موارد تحدید قلمرو حقوق کیفری ایران و راهکارهای آن

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر توحیدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر بجنوده

نگارش:

حسن زرقانی

ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امه مسلمه
لک و ارنامنا سلکنا و تب علینا انک انت
التواب الرحیم .

بقره / ۱۲۸

تقدیم به :

رسول خدا ، حضرت محمد (ص) و خاندان پاک او
و امام عصر (عج)

و تقدیم به :

مجاهد نستوه
سید عبدالغزیز حکیم
و شهید سپهبد
امیر سرلشکر صیاد شیرازی

و تقدیم به :

پدر و مادر عزیزم

که با نثار نمودن قطره قطره شمع
وجودشان زندگانیم را روشنایی بخشیدند .

و، همسر همربانم

به خاطر هدایت و پذیرش قصوراتم

در طول زندگی مشترک

ضمن ارج نهادن به تلاش های تمامی اساتیدی که از محضرشان

استفاده کرده ام از راهنمایی ها و زحمات بی دریغ

جناب آقای دکتر عبدالعلی توجهی ، استاد راهنما

و نیز از ارشادات و مساعدت های مشفقانه

جناب آقای دکتر بخنوه، استاد مشاور

این پایان نامه کمال تشکر را دارم.

همچنین بر خود لازم می دانم از راهنمایی های استاد محترم و بزرگوارم

جناب آقای دکتر قاسمی

کمال تشکر و قدردانی را نمایم.

چه بسا اگر مساعدت و یاری این عزیزان نبود توفیق نگارش

این پایان نامه را نمی یافتم.

تاچه قبول اقدوچه در نظر آید

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه
۴	- بیان مسأله
۷	- اهداف تحقیق و ضرورت آن
۸	- سوالات تحقیق
۸	- فرضیات تحقیق
۹	- پیشینه و شیوه تحقیق
۱۰	- سازماندهی تحقیق
۱۱	بخش اول: تبیین مبانی و ادله آموزه تحدید قلمرو حقوق کیفری
۱۳	فصل اول: مبانی و ادله نظری
۱۳	مبحث اول: مبانی تاریخی
۱۴	گفتار اول: مکتب کلاسیک
۱۵	گفتار دوم: مکتب نئوکلاسیک
۱۷	گفتار سوم: مکتب تحقیقی (اثباتی)
۱۹	گفتار چهارم: دفاع اجتماعی و دفاع اجتماعی جدید
۲۱	گفتار پنجم: تعمیق مفهوم تحدید قلمرو حقوق کیفری
۲۲	مبحث دوم: مبانی قانونی
۲۲	گفتار اول: اصل برائت
۲۴	گفتار دوم: اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها
۲۴	بند اول: تبیین اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها
۲۶	بند دوم: راهبری قضایی اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها
۲۸	بند سوم: نتایج حاصل از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها
۲۹	الف: اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری
۳۱	ب: اصل تفسیر مضیق یا محدود قوانین کیفری

۳۳ مبانی شرعی
۴۴	فصل دوم: مبانی و ادله عملی آموزه تحدید قلمرو حقوق کیفری
۴۴ مبانی اول: بحران در حوزه حقوق کیفری
۴۸ مبانی دوم: تورم کیفری و لزوم تحدید مداخله حقوق کیفری
۵۰ گفتار اول: تبیین مفهوم تورم کیفری
۵۲ گفتار دوم: عوامل تورم زای کیفری
۵۴ بند اول. عدم توجه به اصول حاکم به جرم انگاری
۵۴ بند دوم: انحصار کیفر به عنوان تنها واکنش جامعه در برابر جرم
۵۵ بند سوم: اتحاد یا اجتماع ماهیت گناه و جرم
۵۵ الف. ماهیت جرم
۵۷ ب. ماهیت گناه
۵۸ ج. ادله عدم امکان ترب آثار گناه بر جرم
۶۰ بند چهارم: جرم انگاری انحراف
۶۱ بند پنجم: جرم انگاری در مقاطع زودگذر
۶۲ الف. بروز انقلابات
۶۴ ب. بروز جنگ
۶۵ بند ششم: تعدد مراجع تقنینی
۶۶	بخش دوم: جلوه های آموزه تحدید قلمرو حقوق کیفری
۶۸	فصل اول: تحدید قلمرو حقوق کیفری از طریق جرم زدایی
۶۹ مبانی اول: نسبت جرم زدایی و قضاء زدایی
۷۱ مبانی دوم: رویکرد قانونگذار به جرم زدایی
۷۲ مبانی سوم: جرم زدایی در قانون موضوعه
۷۲ گفتار اول: جرم زدایی از شروع جرم
۷۳ بند اول: تعزیرات
۸۱ بند دوم: قصاص
۸۳ بند سوم: حدود

۸۶	گفتار دوم : جرم زدایی از جرم عقیم
۸۹	بند اول: نظریه اعمال مجازات
۸۹	بند دوم : نظریه عدم اعمال مجازات
۹۰	گفتار سوم : جرم زدایی از جرم محال
۹۱	بند اول : نظریه اعمال مجازات
۹۱	بند دوم : نظریه عدم اعمال مجازات
۹۲	بند سوم : نظریه بینابین
۹۶	گفتار چهارم : جرم زدایی از تجری
۹۶	بند اول : نظریه اعمال مجازات
۹۸	بند دوم : نظریه عدم اعمال مجازات
۱۰۱	فصل دوم : تحدید قلمرو حقوق کیفری از طریق قضاء زدایی
۱۰۲	مبحث اول : رویکرد قانون اساسی به قضاء زدایی
۱۰۵	مبحث دوم : راهکارهای اجرایی
۱۰۶	گفتار اول: شورای حل اختلاف
۱۰۷	گفتار دوم : میانجیگری کیفری راهی به سوی قضاء زدایی
۱۱۳	فصل سوم : تحدید قلمرو حقوق کیفری از طریق کیفرزدایی
۱۱۶	مبحث اول : مفهوم کیفرزدایی
۱۱۸	مبحث دوم : راهکارهای کیفرزدایی در حقوق جزای موضوعه
۱۱۹	گفتار اول: تعلیق مجازات
۱۲۰	گفتار دوم : جایگزین های حبس
۱۲۱	بند اول : میانجیگری
۱۲۱	بند دوم : کارهای عام المنفعه (خدمات اجتماعی)
۱۲۲	بند سوم : جریمه های روزانه
۱۲۲	بند چهارم : بازداشت خانگی (حبس در منزل)
۱۲۲	بند پنجم : نظارت الکترونیک
۱۲۳	بند ششم : پادگان های آموزشی اصلاحی
۱۲۴	بند هفتم : درمان

۱۲۵.....	نتیجه گیری
۱۳۰.....	پیشنهادها
۱۳۵.....	فهرست منابع و مآخذ

چکیده

گفتمان یا به قولی پارادایم حاکم بر حقوق کیفری نوین را می توان به نوعی در اندیشه تحدید دامنه حقوق کیفری جستجو کرد. این آموزه، درصدد محدود ساختن مداخله حقوق کیفری در مناسبات و روابط اجتماعی و حقوقی افراد جامعه است، بنابراین توأماً از مباحث امروزی حقوق بشر و حقوق جزا محسوب می شود. تراکم دعاوی و کثرت مراجعات به مراجع قضایی، به مشکلی در خور توجه مبدل گشته و نیاز به بازمهندسی دوباره در قوانین کیفری احساس می شود.

مبانی نظری آموزه تحدید حقوق کیفری، سخن از مکاتب مختلف حقوق جزا از جمله مکاتب کلاسیک، نئوکلاسیک، تحقیقی (اثباتی) و دفاع اجتماعی سخن به میان می آید که بسط و تشریح آن ها به درک این مفهوم کمک شایانی می کند .

در مطالعه مبانی قانونی (حقوقی) این آموزه، می توان به مواردی چون اصل برائت، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری اشاره کرد. در مورد مبانی شرعی آموزه تحدید حقوق کیفری باید گفت، با توجه به این که قسمت عمده ای از انگاره های حقوق کیفری ما، ریشه در مبانی فقهی و شرعی دارد ، بررسی مبانی شرعی این آموزه امری اجتناب ناپذیر است. به طور کلی می توان گفت ؛ از سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام چنین برمی آید که دین مبین اسلام به کیفرزدایی توجه خاصی داشته و این امر از دیدگاه دین اسلام مغفول نمانده است. علاوه بر مبانی نظری، دلایل عملی نیز وجود دارد که تحقیق در زمینه تحدید مداخله حقوق کیفری را ضروری می سازد که بحران به وجود آمده در حوزه حقوق کیفری و ظهور تورم قوانین کیفری از آن جمله اند.

از جمله اهرم و سازوکارهایی که می توان در راستای تحدید حقوق کیفری به آن اشاره کرد عبارتند از : «جرم زدایی» ، «قضازدایی» و «کیفرزدایی».

«جرم زدایی» ، یکی از مکانیزم هایی است که از سوی قانونگذار، مورد استفاده قرار گرفته و به واسطه آن، عناوین مجرمانه از جرایم سلب می گردند و این شیوه به دلایل مختلفی صورت می گیرد .

«قضازدایی» از اهمیت زیادی برخوردار است و در آن، غایت این است که به جای توسل به دستگاه رسمی عدالت کیفری و دادگستری، استفاده از قضات حرفه ای در حل و فصل دعاوی و رسیدگی به تخلفات و جرایم، این وظایف به عهده سایر سازمان های مدنی و اجتماعی و شوراهاى مردمی گذاشته شود .

«کیفرزدایی»، یکی دیگر از مکانیزم هایی است که در جهت تحدید دامنه حقوق کیفری به کار گرفته می شود و منظور از آن این نیست که خاصیت جرم بودن عملی را از آن سلب نماییم، بلکه به آن معنی است که در اکثر موارد از شدت مجازات بکاهیم و یا خاصیت کیفری مجازات را از آن سلب نماییم .

کلید واژگان : حقوق ، حقوق کیفری، جرم زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی.

مقدمه

عدم کارایی ضمانت اجرای کیفری از عوامل ایجاد کننده بحران در حوزه حقوق کیفری است. همانطور که می دانیم مقنن با جرم انگاری برخی اعمال که واقعاً مخل نظم اجتماعی بوده و به میزان زیادی وجدان عمومی را جریحه دار می کند، در پی رسیدن به اهدافی است که نیل به آنها واقعاً مشکل و گاهی امکان ناپذیر است. با نگاهی به تاریخ حقوق کیفری متوجه می شویم که مکاتب مختلفی پا به عرصه وجود نهاده اند که هر کدام هدف خاصی را از تحمیل مجازات دنبال می کردند ولی در نهایت اکثر آنها در برخی اهداف مشترک هستند که این اهداف عبارتند از:

۱- ارعاب و تنبیه

۲- اصلاح مجرم و پیشگیری از تکرار جرم

۳- اجرای عدالت در جامعه

بدیهی است وقتی شخصی محکوم به تحمل مجازات می شود قضات صادر کننده رای محکومیت به این تصورند که شخص با تحمل مجازات دچار ندامت شده و دیگر مرتکب چنین جرمی نمی شود؛ حتی دیگران نیز با مشاهده درد و ناراحتی مجرم که ناشی از تحمل مجازات است متنبه شده و فکر ارتکاب جرم را در سر نمی پروراند.

بنابراین مهمترین هدف اجرای مجازات، اصلاح مجرم و پیشگیری از تکرار جرم توسط وی و دیگران می باشد. وقتی می توان ادعای نیل به این اهداف را نمود که روز به روز از تعداد مرتکبین اعمال مجرمانه کاسته شود و زندان ها خالی از زندانی شده، آمار مراجعه کنندگان به محاکم قضایی کاهش یابد. البته کاهش آمار همیشه نمی تواند دلیلی بر کاهش آمار جرم در جامعه تلقی شود، بلکه گاهی در اثر گسترش نهادهای مردمی و مدنی که فاقد جنبه کیفری هستند و مردم برای حل اختلافات خویش ناگزیر از مراجعه به آنها هستند این کاهش صورت می گیرد مانند شورای حل اختلاف، به همین جهت کاهش مورد نظر، کاهش واقعی میزان جرایم ارتكابی در سطح جامعه نمی باشد.

با نگاهی به آمارهای ارائه شده متوجه می شویم مقنن در سالهای اخیر تنها موفقیت های اندکی در مبارزه با پدیده بزهکاری کسب نموده است و بسیاری از مجرمین متنبه نشده و مجدداً مرتکب جرم شده اند .

بنابراین ضمانت اجرای کیفری توانایی مبارزه با بزهکاری را نداشته و نظام عدالت کیفری در مقابله با این پدیده با شکست مواجه شده است . البته روشن است که هیچگاه نمی توان خواهان قطع ریشه بزه از جامعه شد.

البته عوامل مختلفی در عدم کارایی حقوق کیفری موثر هستند که یکی از آنها بی کفایتی سیاست جنایی است زیرا سیاست جنایی جرم شناختی زمانی موفق خواهد بود که با توجه به پژوهش ها و اطلاعاتی که با روش ها و ابزارهای قابل اعتماد در تبیین و تفسیر پدیده مجرمانه در سطوح مختلف بدست می آید تنظیم شده باشد^۱.

عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در کاهش جرایم و کنترل آن و به تعبیر دیگر ناکامی پیشگیری در دو بعد عام و خاص آن زمینه را برای سیاست های دیگری که موثر تر باشند فراهم کرده است .

این سخن به معنای نفی مطلق کارایی نظام عدالت نیست ؛ هنوز هم مداخله مقتدرانه و عدالت نمادین از جایگاه مهمی در جامعه برخوردارند زیرا باید در هر حال به حساب مجرمین رسیدگی شود . بنابراین معایب استفاده از مجازات ها به عنوان تنها ابزار کنترل بزهکاری ، اندیشمندان را به فکر استفاده از جایگزین ها واداشته به طوریکه در ممالکی که برای آزادی اشخاص ارزش قائل هستند ، از حقوق کیفری تنها بعنوان آخرین راه حل برای کنترل اجتماعی استمداد می نمایند^۱.

۱-دونالد، اتنف، شناخت بزهکاری و سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تنظیم اسماعیل رحیمی نژاد، مجله نامه مفید، شماره ۷، سال دوم، پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۲۹.

دولت نباید به بهانه تامین رفاه و امنیت و آسایش و اخلاق حسنه ، حقوق و آزادی ها را تحدید کند بلکه در جهت عکس باید تحدید حقوق یک امر استثنایی قلمداد شود . دولت حق نظارت دارد و تکلیف دارد نظم و امنیت جامعه را حفظ و برآورده سازد ولی این حق نباید به صورت نامتناسب به کار گرفته شود تا با جرم انگاری در حد وسیع و توسعه نهادهای قضایی و افزایش کیفرها دایره آزادی و حقوق اولیه را محدود نماید.

بنابراین اینجاست که با احیای نهادهای جرم زدایی ، قضا زدایی و کیفر زدایی در برخی حوزه ها ، مخصوصاً حوزه هایی که متضرر مستقیم از جرم وجود ندارد و یا افکار عمومی ، جرم انگاری را دخالت در خصوصی ترین حریم زندگی افراد تلقی می کنند ، می توان با این مشکلات مقابله کرد.

۱- بیان مسأله

معمولا در طرح مسأله به تعریف و تبیین عناصر و مولفه های اصلی موضوع تحقیق پرداخته می شود تا زمینه ورود به بحث اصلی فراهم گردد. ما نیز در اینجا به تعریف مختصری از شاکله های موضوع تحقیق می پردازیم :

حقوق کیفری : حقوق جزایی یکی از رشته های علوم قضایی است که به تدریج با پیشرفت زمان توسعه یافته است، به طوری که اکنون به صورت دانش مستقلی درآمده و به قسمت های مختلف و متعددی تقسیم گردیده است. حقوق جزا به سه قسمت حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی و آئین دادرسی کیفری قابل تقسیم است. ازجمله دیگر با ازدیاد روابط بین المللی و توسعه رفت و آمد بعضی از جرائم از قلمرو داخلی خارج شده و جنبه بین المللی به خود گرفت و همین امر موجب پیدایش رشته خاصی در حقوق جزا به نام حقوق جزای بین المللی گردید.^۱

از حقوق جزا در حقوق غیرمذهبی نیز تعاریفی به عمل آمده است که به ذکر برخی از آنها می پردازیم:

آقای پیربوزا استاد حقوق جزا در فرانسه حقوق جزا را رشته ای از حقوق عمومی دانسته که سعی دارد به وسیله تهدید و ارباب از وقوع اعمال یا ترک اعمالی که موجب برهم زدن نظم عمومی است جلوگیری نموده و در صورت اقتضاء با اعمال وسایل مختلف مرتکب این اعمال را مجازات کند.

مرحوم دکتر علی آبادی حقوق جزا را قواعد و قوانینی دانسته که اجرای مجازات را در کشور تنظیم و تنسيق می کند.

آقای دکتر کاتوزیان نیز حقوق جزا را مجموعه قواعدی دانسته است که بر نحوه مجازات اشخاص از طرف دولت حکومت می کند.

۱- شناخت بزهکاری و سیاست جنایی ، صفحه ۱۹.

تعاریف مزبور جامع و مانع نیست. زیرا از طرف مسائلی مهم چون مسئولیت جزائی بزهکار را شامل نمی‌شود. از طرف دیگر در عکس العمل جامعه در قبال ارتکاب جرائم نیز بیشتر به مجازات توجه شده است در حالی که اجرای اقدامات تأمینی، تعلیق مجازات، آزادی مشروط و یا مسائل مربوط به عفو و تخفیف مجازات و غیره از مصادیق بارز یک سیاست کیفری مفید و موثر در مقابل وقوع جرائم روزافزون می‌باشد.

بنابراین ممکن است حقوق جزئی در شرایطی که متناسب با تحولات این رشته باشد، چنین تعریف شود:

«حقوق جزائی یا حقوق کیفری عبارت از مجموعه قواعدی است که بر عکس العمل دولت در مقابل اعمال ضداجتماعی حاکم باشد تا از طریق تهدید به مجازات و یا اجرای آن و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی اعمال مزبور پیشگیری و عدالت نسبی و نظم و امنیت برقرار گردد.»

تحدید قلمرو حقوق کیفری:

گفتمان یا پارادایم حاکم بر حقوق کیفری نوین را می‌توان به نوعی در اندیشه تحدید دامنه حقوق کیفری جستجو کرد. این آموزه، در صدد حذف مصادیق عینی و خارجی جرم و مجازات در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان است و در عین حال، توأماً از مباحث امروزین حقوق بشر و حقوق جزا محسوب می‌شود.

این گفتمان به منظور بالندگی تحول حقوق کیفری در راستای تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان و جلوگیری از تضییع حقوقی افراد جامعه، توسط اندیشمندان علم حقوق مطرح گردیده است. در حال حاضر، رسالت اصلی حقوق کیفری این است که با یافتن راه حل‌های مناسب، پدیده بزهکاری را کنترل و مدیریت نماید و تمامی تلاش‌های خود را در جهت تثبیت یا تقلیل جرایم به کار برده تا شاید به این وسیله در جهت تحقق عدالت واقعی در جامعه موفق باشد.

اثبات عدم کارایی مجازات‌ها در مقابله با پدیده بزهکاری، ضرورت بحث استراتژی عقب نشینی حقوق کیفری یا تحدید دامنه حقوق کیفری را توجیه می‌کند و دولتمردان برخی کشورها را به استفاده از روشهای غیر کیفری وا داشته است. هرچند دولت باید از سوء استفاده از آزادی و حق پیشگیری کند، ولی این مسئله دلیلی برای سلب آزادی شهروندان نمی‌شود، بلکه دولت باید آنگاه که شرایط تحدید آزادی فراهم گشت، به این امر مبادرت ورزد و با حسن نیت در جهت استقرار امنیت و عدالت، حقوق و آزادی عده ای متخلف را محدود سازد وگرنه دولت باید همیشه تحدید دایره مداخله کیفری را مد نظر قرار داده و فقط در موارد استثنایی به تحدید آزادی افراد بپردازد.

دولتها موظفند به اصل قانونیت^۱ احترام گذاشته و تنها ملاحظات کیفری خود را در چارچوب یک جامعه دموکراتیک^۲ و به مقدار نیاز به اجرا گذارند. اصل قانونیت بدین معناست که هر گونه تحدید باید در چارچوب قانون و به حکم آن صورت گیرد. اصل مهم دیگر این است که دولت‌ها به منظور تامین امنیت ملی، رفاه همگانی و حفظ اخلاق حسنه و نیز تضمین حقوق دیگران می‌توانند محدودیت‌هایی در حقوق و آزادی‌ها اعمال نمایند. آیا تامین امنیت ملی توجیهی برای جرم انگاری در معنای وسیع و توسعه قضایی باشد^۳؟

دولت هرگز نمی‌تواند از مفاهیم امنیت ملی، رفاه عمومی و اخلاق حسنه به عنوان ابزاری برای رسیدن به منافع صرفاً سیاسی خود بهره‌گیرد، بلکه باید حدود جرم انگاری به نحوه دقیق صورت گیرد، چرا که همان‌طور که استفاده بی‌حد و حصر از داروی آنتی بیوتیک باعث تشدید مقاومت میکروب در مقابل دارو می‌شود استفاده بی‌اندازه از کیفر، ناکارآمدی آن را روشن می‌سازد.^۴

۱. the principle of legality

۲. the principle of democratic society

۳- گاستون، استفانی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ترجمه دکتر حسن دادبان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ۱۳۸۷، ص ۸.

۴- کلانتری، کیومرث، تورم کیفری، عوامل و پیامدها، فصلنامه علمی پژوهشی، مدرس شماره ۴، دوره پنجم، زمستان ۸۰، ص ۶۰.

این موضوع از نظر قانونگذار قانون اساسی کشورمان نیز دور نمانده است ، چرا که قانون اساسی در اصل ۳۶ مقرر می دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن تنها باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». لذا تحدید دامنه مداخله کیفری چه از طریق جرم زدایی یا کیفر زدایی می تواند به حفظ حقوق و آزادی شهروندان بینجامد.

بنابراین باید این واقعیت را پذیرفت که اگرچه برای حفظ جامعه وجود قوانین کیفری ضروری است ؛ ولی تدوین و تصویب این مقررات به لحاظ ارتباطی که با آزادی افراد دارند باید با نهایت دقت و ظرافت صورت پذیرد ؛ زیرا هر جرم انگاری برابر است با تنگ شدن محدوده آزادی های افراد در جامعه ، که این امر با توجه به فطرت بشر که خواستار آزادی از قید و بند و رهایی از محدودیت است در تضاد و تعارض می باشد .لذا تدوین قوانین کیفری باید آخرین راه حل باشد نه اولین راه حل و باید تاجایی که امکان دارد بخشی از برخورد را به نهادهای اجتماعی واگذار کرد. این تحقیق بر آن است تا موارد تحدید قلمرو حقوق کیفری ایران و راهکارهای آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

۲- اهداف تحقیق و ضرورت آن

مدت مدیدی است که اکثر نظام های حقوقی دنیا بخصوص در کشورهای غربی ، تحت تاثیر افکار و اندیشه های مطروحه در قرن بیستم بخصوص نیمه دوم آن و به تبع آن در نظام قضایی کشور عزیز ایران تحت تاثیر جریانات اصلاحی قرار گرفته اند . یکی از این حرکت ها جرم زدایی و قضاء زدایی است و دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که توسعه نهاد کیفری با شکست مواجه شده است واین به صورت یک مشکل در برابر نظام کیفری قرار گرفته که ناتوانی دستگاه عدالت کیفری را در برابر بزهکاری رو به ازدیاد و عدم کارآیی ضمانت اجراهای کیفری نمایان شده است .

مشکل دیگری که منصفه ظهور رسیده تراکم دعاوی و کثرت مراجعات به مراجع رسمی قضایی است که این مشکل در کشور ما به شکل حاد خود نمایی می کند که اگر چاره ای صورت نگیرد به

بن بست رسیده و یا به تعبیر دیگر به زمین گیر شدن نظام عدالت کیفری می انجامد و قطعاً یافتن راهکار رفع این مشکل از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

و بر خود لازم می دانم در حد توان خود بتوانم به عوامل و راه کارهای این معضل بپردازم .
لذا لازم است ابتدا جایگاه حقوق کیفری از منظر نظریه های کیفری و خصوصاً در نگاه نظریه کیفری اسلام و جمهوری اسلامی ایران مشخص گردد.

همچنین لازم است مفاهیم جرم زدایی و قضا زدایی و کیفر زدایی روشن شود و به بیان نحوه پیدا کردن آن در حقوق کیفری پرداخت .

۳- سوالات تحقیق

نظر به اهمیت موضوع و کاربردی بودن آن، پیرامون آن سوالاتی مطرح می شود که می توان

آنها را به دو گروه سوال اصلی و فرعی تقسیم کرد ؟

سوالات اصلی

۱- لزوم تحدید دامنه حقوق کیفری چیست؟

۲- راهکارهای اجرایی تحدید دامنه حقوق کیفری کدام است؟

سوالات فرعی

۱- زمینه های بروز بحران و تورم کیفری و پیامدهای آن کدامند؟

۲- جایگاه آموزه تحدید حقوق کیفری در جرائم مستوجب حد و تعزیرات شرعی چیست؟

۴- فرضیات تحقیق

نتیجه مطالعات به ما نشان داده است که نهضت تحدید قلمرو حقوق کیفری و شرکت دادن

نهادهای غیر کیفری نظیر نهادهای مدنی اجتماعی و حل و فصل اختلافات از طریق مردم تحت عنوان میانجیگری و بسیاری دیگر از نهادها به نظام های حقوقی سرایت کرده است .

عدم توجه به اصول حاکم بر جرم انگاری و استفاده انحصاری از مجازات که ناکارآمدی برخی از آنها به همگان ثابت شده است و خلط مفاهیم گناه، جرم و انحراف از موجبات ناکارآمدی نظام کیفری ذکر شده است.

۱: استفاده بی اندازه از کیفر، ناکارآمدی آن را روشن می سازد و بروز بحران در حوزه حقوق کیفری و ظهور تورم قوانین کیفری، ضرورت تحدید دامنه حقوق کیفری را توجیه می کند.

۲: راهکارهای متعددی در راستای تحدید مداخله حقوق کیفری متبادر به ذهن می گردد که اساسی ترین آن ها عبارتند از: جرم زدایی، قضاء زدایی و کیفر زدایی.

۳: عدم توجه به اصول حاکم بر جرم انگاری، انحصار کیفر به عنوان تنها واکنش جامعه در برابر جرم و اتحاد یا اجتماع ماهیت گناه و جرم مهم ترین عوامل تورم قوانین کیفری و به تبع آن بروز بحران در حوزه حقوق کیفری هستند که باعث افزایش بار نظام عدالت کیفری و باعث پایین آمدن سطح کیفیت رسیدگی به پرونده ها شده است به طوری که کیفیت رسیدگی فدای کمیت شده است و باعث اتخاذ تصمیماتی شده است که مغایر با حقوق مسلم متهمین می باشد.

۴: با دقت در جرایم مستوجب حد و همچنین تعزیرات شرعی، این نکته روشن می شود که به مداخله حقوق کیفری و تحدید دامنه آن توجه شایانی شده است و نوعی رویکرد جرم زدایی، علی الخصوص در مورد جرایم مستوجب حد در نگرش قانونگذار شرع مشهود است و آموزه تحدید حقوق کیفری در جرایم فوق الذکر نیز از جایگاه مهمی برخوردار است.

۵- پیشینه و شیوه تحقیق

در مورد پیشینه موضوع تحقیق یعنی آموزه تحدید حقوق کیفری، نکته ای که قابل ذکر این است که، تاکنون اثر منقح و قابل اتکایی در این زمینه نگاشته نشده است که مورد استفاده پژوهشگران علم حقوق و مخصوصاً حقوق جزاء قرار گیرد و به بررسی موردی و سطحی در برخی مقالات و کتاب های حقوق جزاء بسنده شده است، لذا نیاز به پژوهش، پیرامون این آموزه ضروری

به نظر می رسد. روش توصیفی و تحلیلی روش مورد انتخاب در این پژوهش بوده، گرچه از اطلاعات بدست آمده از دیگر روش های آماری هم استفاده شده است. در مورد قلمرو کیفری و نظریات راجع به محدود ساختن و تحدید آن تحقیقی به صورت جامع و تدوین شده صورت نگرفته و صرفاً در منابع مختلف به صورت کلی و بدون بررسی لزوم، علل و راهکارهای تحدید، برخی از جلوه های تحدید قلمرو حقوق کیفری به صورت موردی مورد بررسی قرار گرفته اند و لذا می بایست با تبیین بحث و شیوه های تحدید حقوق کیفری به راهکارهای جدیدی پرداخت.

در پژوهش پیش رو سعی بر این بوده که از لحاظ تئوری به بسط نظریه های کیفری، پیرامون آموزه تحدید قلمرو حقوق کیفری پرداخته و در زمینه عملی آموزه تحدید، به راه کارهای عملی آن که می تواند در نظام قضایی ما مورد استفاده قرار گیرد پرداخته شود.

۶- سازماندهی تحقیق

این پایان نامه در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول، با توجه به این که قبل از شروع به بحث پیرامون هر مفهومی، نیاز به تشریح مبانی تئوریک آن امری اجتناب ناپذیر جلوه می کند و در واقع بیان مبانی تئوریک، ذهن را آماده پذیرش اصل موضوع و ورود به بحث می کند به تبیین مبانی و ادله آموزه تحدید قلمرو حقوق کیفری، در دو فصل پرداخته شده است که فصل اول شامل ادله نظری آموزه تحدید حقوق کیفری و فصل دوم در بردارنده ادله عملی این آموزه است. در بخش دوم، راهکارها و مکانیزم هایی که می توان از آن ها در راستای محدود سازی دخالت حقوق کیفری سود جست، مورد بررسی قرار گرفته است و دارای سه فصل است که در فصل اول راهکار جرم زدایی، در فصل دوم، راه حل قضاء زدایی و نهایتاً در فصل سوم، شیوه کیفر زدایی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. پایان نامه، علاوه بر دو بخش اصلی، دارای چکیده، مقدمه و فهرست منابع و مآخذ است.